



این زنان از زن بودن خود انتقام می گیرند

گفت و گو با خسرو منصوریان

مدیرعامل انجمن حمایت و یاری آسیب دیدگان اجتماعی (احیاء) و عضو هیئت مدیره انجمن حمایت از کودکان و نوجوانان توان یاب

پروین بختیارنژاد

کوچک تر و شبیه خانواده گردید و در ادامه این روند، برخی از پرورشگاه ها تبدیل به دانشگاه شد.

در پی شروع درگیری ها در کردستان از جانب آیت الله طالقانی به سمت سرپرست گروه ایجاد وفاق و آرامش کردستان منصوب شد و با تدابیر مقتضی سامان لازم را در آن مقطع بر اوضاع شهر سنندج حکمفرما نمود.

پس از دو سال وارد کار در بخش خصوصی شد. در همین زمان به عضویت رسمی نهضت آزادی ایران درآمد. از آن پس به عنوان یکی از اعضای فعال این گروه سیاسی به فعالیت پرداخت و در حال حاضر عضو شورای مرکزی و دفتر سیاسی این حزب است.

وی یکبار در سال ۱۳۶۷ به مدت ۹ ماه دستگیر شد و مجدداً در سال ۱۳۶۹ دستگیر و بد سه سال زندان محکوم شد که دو سال بعد از دستگیری آزاد گردید و برای سومین بار در ۱۸ فروردین ۱۳۸۰ به همراه عده ای دیگر دستگیر و بعد از ۱۱ ماه آزاد شد.

ایشان در سال ۱۳۷۲، همکاری خود را با مجتمع آموزشی نیکوکاری رعده که توسط افراد خیر برای آموزش فنی و حرفه ای به معلولین و جانبازان تأسیس گردیده بوده، آغاز کرد. در زمان همکاری با این موسسه مبادرت به بنیانگذاری موسساتی مشابه، در یزد و مشهد نمود. در سال ۱۳۷۶ شخصاً مدیریت مجتمع آموزشی نیکوکاری توانیابان مشهد را به عهده گرفت و پس از حدود یک سال و نیم و تبدیل شدن آن موسسه به یکی از موفق ترین سازمان های غیردولتی در مشهد به تهران مراجعت نموده و در سال ۱۳۷۸ دو سازمان غیردولتی و خیراتفاقی دیگر را در تهران بنا نهاد.

۱- انجمن حمایت و یاری آسیب دیدگان اجتماعی (احیاء، ارزش ها) که به کار جامعه ای، جهت پیشگیری و مهار آسیب های اجتماعی می پردازد.

۲- انجمن حمایت از کودکان و نوجوانان توان یاب که به ارائه خدمات توانبخشی بهنگام به کودکان معلول زیر ۱۶ سال به طور رایگان مشغول است.

خسرو منصوریان یکی از پیشروان نهضت NGO ای (سازمان های غیردولتی) در ایران است. وی به دلیل اعتقاد به تأثیر غیرقابل انکار شکل های مردمی و غیردولتی (NGOs) در حل معضلات اجتماعی و رفتن به سمت جامعه مدنی همواره سعی در ایجاد بستری مناسب در جهت سپردن کار مردم به دست خودشان و فعال کردن حضور آنان در عرصه اجتماعی نموده است.

اشاره، زنان خیابانی، نه واژه، بلکه هویتی است که امروزه با گستره چشمگیر آن لرزه بر اندام هر ایرانی از هر آیین و اندیشه ای می اندازد. تا آنجا که شناخت، ریشه یابی و راه برودن رفت از این پدیده به یک مسئله راهبردی ملی تبدیل شده است، در این راستا چشم انداز ایران در شماره قبل گفت و گویی با دکتر مهندس کامکار انجام داد. در این شماره نیز گفت و گویی با آقای خسرو منصوریان انجام گرفته که از نظر خوانندگان گرامی می گذرد.

خسرو منصوریان در سال ۱۳۲۰ در شهر تهران متولد شد. دوران کودکی، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهر مشهد گذراند. با توجه به خصوصیات شخصیتی، رشته مددکاری اجتماعی را انتخاب و لیسانس خود را در این رشته اخذ نمود. در دوران تحصیل از اعضای فعال دانشجویان بود و یک دوره نیز به ریاست انجمن دانشجویان انتخاب گردید. وی به عنوان اولین مددکار اجتماعی وارد دانشگاه تهران شد و توانست هسته مرکزی مددکاری اجتماعی دانشگاه تهران را که منجر به حضور مددکاران اجتماعی در تمام دانشکده ها گردید، پایه گذاری نماید. در همان زمان، اولین مهد کودک مدرن را در تهران تأسیس کرد.

آشنایی وی با درس های استاد محمد تقی شریعتی در کانون نشر حقایق اسلامی مشهد و ارتباط با دکتر علی شریعتی در تهران، سبب تحولات فکری او گردیده و مسیر زندگی او را تعیین نمود. در سال ۱۳۵۵ خسرو منصوریان طی سفری به کرپلا و نجف، حامل پیامی از جانب دکتر شریعتی برای آیت الله خمینی بود.

در طی تحولی که در روند زندگی وی ایجاد شد، خانه اش، همواره جایگاه جلسات مبارزین با رژیم شاه بود. وی در اوایل سال ۱۳۵۷ (قبل از انقلاب) از بنیانگذاران انجمن اسلامی مددکاران اجتماعی بود. جلسات این انجمن نیز در منزل شخصی وی برگزار می شد.

ایشان اجازه اخذ و مصرف وجوهای شرعی را از جانب آیت الله طالقانی دریافت نمود. همچنین واسطه مطحنی برای جذب کمک های مردم خیر و رساندن آن به خانواده های زندانیان سیاسی رژیم شاه بود. در مقطع انقلاب ساختمان پانسیون اطفال محل جمع آوری و توزیع امکانات پزشکی جهت پشتیبانی نیروهای انقلاب بود.

پس از پیروزی انقلاب، وی به سمت معاونت امور اجتماعی شهرداری تهران انتخاب گردید و در این زمان پرورشگاه ها که یکی از بخش های تحت نظارت وی بود، از شکل قبلی خود خارج شد و توسط افراد داوطلب، تبدیل به مکان های

■ جناب منصوریان! با توجه به پیشینه درخشان فعالیت‌های شما در چند NGO، نشریه چشم‌انداز ایران بر آن شد که نظر شما را در مورد پدیده زنان خیابانی جویا شود، لطفاً خوانندگان ما را از دیدگاه خود آگاه کنید؟

□ همان‌طور که می‌دانید، پدیده روسپی‌گری در جامعه ما به‌عنوان یک شغل پذیرفته نشده، در نتیجه قوانین صریح و روشنی در حمایت از روسپیان و نیز امکانی برای مراجعه آزادانه و از روی اختیار روسپیان را نداریم. تنها کاری که NGO‌ی احیای ارزش‌ها توانسته در این رابطه انجام دهد احداث یک خط مشاوره Hotline برای دادن مشاوره به کلیه اعضای جامعه است. به طوری که یک زن روسپی نیز می‌تواند با گرفتن شماره تلفن (۶۹۲۵۵۲۴) از خدمات مشاوره‌ای ما استفاده کند.

مشاوران ما خود را ملزم می‌دانند که نام و نشانی فرد مشاوره‌گیرنده را نبرسند. با توجه به آمار خط Hotline، بیش از ۷۱٪ تماس‌گیرندگان را زنان تشکیل می‌دهند. البته در همه جای دنیا زنان با این خطوط بیشتر تماس می‌گیرند. میانگین سن تماس‌گیرندگان در سال ۸۱-۸۲، ۳۵٪ بین ۲۱ تا ۳۰ سال بودند و ۲۶٪ بین ۳۱ تا ۴۰ سال بوده است. به لحاظ زمانی نیز بیش از ۲۴٪ قبل از ظهر تماس گرفته‌اند. متوسط زمان مکالمه ۴۵٪، یک ربع و ۲۸٪ تا نیم ساعت بوده است. ۶۱٪ آنها متأهل بودند و به لحاظ میزان تحصیلات بیش از ۴۰٪ نه‌تنها دیپلم داشتند که ۲۸٪ تحصیلات دانشگاهی داشتند یا فارغ‌التحصیل دانشگاه بودند و ۶۸٪ تماس‌گیرندگان دارای مدرک دیپلم بودند. ۶۵٪ آنها در خانه ملکی خود و خانواده خود به سر می‌برند و ۹۵٪ تماس‌گیرندگان از استان تهران هستند. بسیاری از این افراد از طریق تله‌تکست تلویزیون، از این خط باخبر

شده‌اند که این افراد ۲۰٪ تماس‌گیرندگان هستند. ۲۹٪ از طریق پلیس ۱۱۰ با ما آشنا شدند. شغل ۴۰٪ این افراد خانه‌داری است. ۱۲٪ شغل اداری و آموزشی دارند. ۱۰٪ دانشجوی و ۹٪ دانش‌آموز بودند. دلیل مراجعه ۳۰٪ این افراد، نگرانی از ابتلا به ای‌ز بوده است. ۱۹٪ تماس‌گیرندگان بستگان معتاد به مواد مخدر دارند. مشکلات اعلام‌شده از سوی این افراد، ۱۷٪ اختلاف خانوادگی، ۵٪ مشکلات روانی، ۳٪ مشکلات مشاوره و ازدواج، ۳٪ مشکلات مربوط به کودکان و بالاترین انگیزه تماس با این خط مسئله ای‌ز بوده است.

اما دلایل روسپی‌گری به ترتیب فقر اقتصادی، بیکاری، تربیت نامناسب پای‌بند نبودن به دستورات و رهنمودهای دینی، اعتیاد اعضای خانواده در دسترس بودن کالاهای فرهنگی مبتذل، عدم قانون‌مندی مولد مربوط به روسپی‌گری، نارضایتی از روابط زناشویی، گاه نیز رفاه اقتصادی زیاد از عمده عوامل روسپی‌گری است.

■ شما نام این رفتار را بی‌مبالایی جنسی می‌گذارید یا روسپی‌گری؟ □ من هیچ‌کدام از این اسم‌ها را قبول ندارم، بنیان این تفکر را باید تغییر داد و از زاویه دیگری باید به این پدیده نگاه کرد. در سال ۱۳۳۷ من محقق طرح روسپی‌گری در شهر تهران بودم. در شهرنو، کلانتری‌ها و زاغه‌های جنوب تهران کار تحقیقاتی انجام می‌دادم و آن زمان سن روسپی‌گری ۲۹ سال بود، اکنون سن روسپی‌گری به پانزده سال و حتی سنینی زیر آن رسیده است. قطعاً حادثه‌ای رخ داده که چنین وضعیتی به وجود آمده. من با آن حادثه کار دارم و آن اتفاق این است که جامعه ما در حال حاضر یک جامعه آنومیکی است و علت پایین آمدن سن روسپی‌گری نیز در همین نهفته است.

■ آیا پایین آمدن سن روسپی‌گری فقط در ایران اتفاق افتاده یا در

کشورهای دیگر نیز این اتفاق صورت گرفته است؟ دوستی که سال‌ها در آمریکا زندگی کرده بود، تعریف می‌کرد که دخترهای ۱۳ ساله پس از رابطه جنسی و بازداری به شدت دچار افسردگی می‌شوند. □ اولاً دقت داشته باشید که بحث درباره روسپی‌گری است نه رابطه Boy Friend - Girl Friend. کشوری مانند انگلستان، توانسته ۳۰٪ از آمار زندانیان خودش را کاهش دهد و این کاهش با مجازات جایگزین شکل گرفته است. اگر یک دانشجو در کافه دانشگاه دعوا کرده، به روش‌های مختلفی مجازات می‌شود. می‌تواند تی بکشد، چمن بزند، ظرف بشوید و یا کلاس را جارو کند و در غیر این صورت باید راهی زندان شود. اگر یک دختر ۱۳ ساله اقدام به تهیه عکس‌های پورنو بکند، تا ۱۵ سال زندان برایش در نظر گرفته شده است ولی دختر ۱۶ ساله ایرانی که به محض ازدواج، شوهرش معتاد از آب درمی‌آید، بعد از این که طلاق گرفت از چه حقوق اجتماعی بهره‌مند خواهد بود؟ یک دختر ۱۴ ساله نمی‌تواند در انتخابات شرکت کند، یعنی توان تشخیص ندارد، ولی همین فرد مجاز است برای خود شوهر انتخاب کند! حالا نگاه کنید از دل این پروژه چه بیرون می‌آید، در کنار این، جامعه ما از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان مواد مخدر است.

زمانی که از هر چهار ازدواج - در شهرهای بزرگ - یکی به طلاق می‌انجامد و سن اعتیاد هم ۱۳ سال اعلام شده، آسیب‌های اجتماعی را همانند حلقه‌های یک زنجیر به هم پیوسته باید جدی بگیریم. البته بازداری‌های ناخواسته بر اثر روابط میان دختر و پسر، بدون ازدواج در انگلستان رایج است. آنجا در باجه تلفن امکان دیگر، عکس‌های پورنو از دختران جوان، با شماره تلفن دیده می‌شود که این پدیده نیز محصول

اما دلایل روسپی‌گری به ترتیب فقر اقتصادی، بیکاری، تربیت نامناسب، پای‌بند نبودن به دستورات و رهنمودهای دینی، اعتیاد اعضای خانواده، در دسترس بودن کالاهای فرهنگی مبتذل، عدم قانون‌مندی مولد مربوط به روسپی‌گری، نارضایتی از روابط زناشویی، گاه نیز رفاه اقتصادی زیاد از عمده عوامل روسپی‌گری است

اکنون سن روسپی‌گری به پانزده سال و حتی سنینی زیر آن رسیده است. قطعاً حادثه‌ای رخ داده که چنین وضعیتی به وجود آمده. من با آن حادثه کار دارم و آن اتفاق این است که جامعه ما در حال حاضر یک جامعه آنومیکی است و علت پایین آمدن سن روسپی‌گری نیز در همین نهفته است

زمانی که از هر چهار ازدواج - در شهرهای بزرگ - یکی به طلاق می‌انجامد و سن اعتیاد هم ۱۳ سال اعلام شده، آسیب‌های اجتماعی را همانند حلقه‌های یک زنجیر به هم پیوسته باید جدی بگیریم

بعد از قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان دومین تجارت جهانی است

مهم ترین نکته ای را که در این مصاحبه باید بگویم، این است که زن ایرانی، از زن بودن خود، دارد انتقام می گیرد. در این چنددهه رفتاری با زنان شده که این اتفاقات افتاده است. زن شوهردار که با خط Hot Line تماس می گیرد و درد گرسنگی و بی شوهری و بی سوادی ندارد، آیا جز این است که رفتاری و واکنش فشارهای ناحق و ناروایی است که به صرف زن بودن به این قشر وارد شده و می شود؟

اگر فردی می خواهد کار سیاسی انجام دهد، بهتر است این فعالیت را در قالب حزب و یا گروه سیاسی انجام دهد. این افراد حق ندارند زیر پوشش NGO کار سیاسی انجام دهند. چرا که NGO یعنی نهادی برای فعالیت اجتماعی، نه سیاسی

قاچاق انسان است. همان طور که می دانید بعد از قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان دومین تجارت جهانی است و اکثریت این دختران نیز از جهان سوم مانند برده، خریداری می شوند. جامعه ما جامعه ای است که ارزش های آن جابه جا شده و هنجارهای آن دست کاری شده است.

مهم ترین نکته ای را که در این مصاحبه باید بگویم، این است که زن ایرانی، از زن بودن خود، دارد انتقام می گیرد. در این چنددهه رفتاری با زنان شده که این اتفاقات افتاده است. زن شوهردار که با خط Hot Line تماس می گیرد و درد گرسنگی و بی شوهری و بی سوادی ندارد، آیا جز این است که رفتاری و واکنش فشارهای ناحق و ناروایی است که به صرف زن بودن به این قشر وارد شده و می شود؟ این برداشت من از سال ها کار مددکاری در حوزه های مختلف آسیب های اجتماعی است.

بیابیم فارغ از نگاه سیاسی، به مسئله زنان بپردازیم. این مشکل هم پیش از آن که سیاسی باشد، اجتماعی است و پیش از آن که اجتماعی باشد، اقتصادی است و پیش از آن که اقتصادی باشد فرهنگی است و پیش از آن که فرهنگی باشد، دینی است.

این مشکلات هم در طبقه فقیر دیده می شود، هم در طبقه مرفه. این مشکلات تنها در طبقه متوسط دیده نمی شود که متأسفانه این طبقه نیز در حال فروپاشی است. درصد بسیار کوچکی از پرخوری در حال ترکیدن هستند و عده بیشمار دیگری از فقر به سئوه آمده اند.

گفتید که هنجارها در جامعه ما دست کاری شده. به نظر شما چه عواملی باعث دست کاری این هنجارها شده است؟ حتی شنیده می شود در خود افغانستان هم به اندازه کشور ما، مصرف کننده مواد مخدر وجود ندارد. آیا شما این فرضیه خود را که

مبتنی بر آمارهای خط Hot Line است، با افراد متخصص اعم از روانشناسان و یا جامعه شناسان مطرح کرده اید؟ و آیا این فرضیه مربوط به جامعه ایران است یا در جوامع دیگر نیز دیده می شود؟ چنان که کشور ایتالیا با ۷۰ میلیون جمعیت ۷۰۰۰۰ نفر معتاد دارد، ولی ایران با ۷۰ میلیون جمعیت، بیش از ۳ میلیون معتاد دارد؟

من این پدیده را ویژه جامعه انومیک خودمان می دانم. من این فرضیه را با گروه های متخصص مطرح نکرده ام و از همین فرصت استفاده می کنم و پیشنهاد یک طرح تحقیقاتی را به آنها می دهم. دلیل دیگر، مهاجرت از کشورهای همسایه است. ما با پذیرفتن ۶ میلیون مهاجر بزرگ ترین کشور مهاجرپذیر جهان بوده ایم. هر چه میلیونر و تحصیل کرده افغانی بود به کشورهای اروپایی رفتند و افراد مشکل دار افغانی به ایران آمدند و فرهنگ خودشان را هم با خود آوردند و از سوی دیگر فرار مغزها را نیز شاهد بوده ایم. مهاجرین افغانی با خود تحقیقات اجتماعی، علمی نیاوردند، بلکه بحران و مشکلات اقتصادی و اجتماعی آوردند.

علت عدم دسترسی یک روسپی به یک NGO برای دریافت سرویس های بهداشتی و خدماتی چیست؟ آیا به دلیل نبودن این مراکز است یا نداشتن قوانین؟

نکتم دسترسی به NGO وجود ندارد، ولی به دلیل این که، این کار جرم شناخته شده، کسی نمی تواند به موسسه ای مراجعه کند و بگوید من مجرم هستم، مثل این که کسی به جایی مراجعه کند و بگوید من دزد هستم. ما باید این پدیده در همه جوامع وجود دارد، سپس برای راه حل آن برنامه ریزی کنیم.

آیا فکر می کنید قوانین ما این

ظرفیت را دارند که علاوه بر این که روسپی گری را جرم می دانند، بتوانند خدماتی به آنها ارائه دهند؟

در ایران خانه امن وجود ندارد، اما دیگر دولت ها خانه امن را به رسمیت شناخته و آن را تأسیس نموده اند و NGO در جامعه یک فرصت تلقی نمی شود. باید در آغاز راهکار قانونی به وجود آوریم و امنیت اجتماعی ایجاد کنیم. مسلماً اولین NGO ای که در این زمینه خدمت ارائه می دهد باید به معتاد سرنگ همد و به روسپی کاندوم. زن و بچه این افراد چه گناهی دارند که باید مبتلا به ایدز شوند.

اگر روزی برسد که این گفتارها و نوشتارها، مسئولان جامعه را بر آن دارد که باید خانه امن برای زن بی کس و بی پناه که ناخواسته تن فروشی می کند، به وجود آورند و در خانه سلامت به سر برند و از جانب آن کسانی که این تشکیلات را به وجود می آورند، مورد سوءاستفاده قرار نگیرند - آنچنان که در گذشته قرار گرفتند - کارها بهبود می یابند. NGO ها می توانند در مهار این بحران نقش مثبتی ایفا کنند، در صورتی که نگاه منابع قدرت به NGO ها نگاه توطئه نباشد.

پیشنهاد شما برای NGO هایی که بخواهند روی مسئله زنان خیابانی کار کنند، چیست؟

این NGO ها حتماً باید از اطلاع رسانی شروع کنند. شما نمی توانید به روسپی دست پیدا کنید مگر این که او را به عنوان یک واقعیت بپذیرید و زمانی که شما او را به عنوان واقعیت بپذیرید، باید آن را قانونمند کنید و بدانید که یک قانون بد، بهتر از شرایط هرج و مرج است. چرا که یک قانون غلط را می توانید در گذر ایام، اصلاح کنید.

بد نیست از این فرصت استفاده کنم و به همه کسانی که جویای فعالیت در NGO ها هستند گوشزد کنم که اگر فردی می خواهد کار سیاسی انجام دهد، بهتر است این فعالیت را در قالب

حزب و یا گروه سیاسی انجام دهد. این افراد حق ندارند زیر پوشش NGO کار سیاسی انجام دهند. چرا که NGO یعنی نهادی برای فعالیت اجتماعی، نه سیاسی.

بدین ترتیب در این شرایط است که یک NGO می‌تواند با احساس امنیت به کمک یک روسپی بیاید. نگاه من به روسپی - به عنوان فردی که سال‌ها در NGO کار کرده‌ام - به چشم یک بیمار است، نه مجرم. البته در قوه قضاییه به این افراد، به چشم مجرم نگاه می‌شود و بهتر است که دیدگاه‌ها را به هم نزدیک کنیم. باید باب گفت‌وگو را با یکدیگر باز کنیم تا برای این معضل راهکاری پیدا شود و اگر در جامعه یک بیماری عفونی وارد شود، همه باید در راستای یک عزم ملی و فراگیر، دست به دست هم بدهیم. در حال حاضر ما وقتی به یک

کشور عربی وارد می‌شویم، خجالت می‌کشیم که ملیت خود را عنوان کنیم، درحالی‌که در گذشته ما صادرات دختر نداشتیم، اما حالا چه؟

■ به عنوان آخرین سوال، از دختران و زنان جوان بسیار شنیده شده که خانه‌داری یا به اصطلاح قدیمی‌ترها بچه‌داری و همسرداری را به نوعی حمالی می‌دانند، استنباط آنها از مردان این است که مردها صرفاً فر ارتباط با زنان، نیازهای جنسی‌شان را جست‌وجو می‌کنند و به دنبال این نیستند که یک زن در کنار آنها می‌خواهد زندگی کند و برخی از زنان جوان بیان می‌کنند که آنها مانند مردان دوست دارند آن طور که می‌خواهند زندگی کنند و نیازهای جنسی خود را مانند برخی مردان در لابی‌گری جست‌جو می‌کنند، در این رابطه چه نظری دارید؟ در واقع آنها از تشکیل خانواده

ناامید هستند، زیرا معتقدند در چارچوب زندگی خانوادگی نمی‌توانند حقوق فردی خود را حفظ کنند؟

□ کسانی که این حرف را در جامعه ما رواج داده‌اند، معنای فمینیسم را هم نمی‌دانند و از ترس مرگ، اقدام به خودکشی می‌کنند. مردم شاد نیستند و شلای را در مصرف قرص "EX" جست‌وجو می‌کنند. جوان ایرانی شنیده که جوان اروپایی دوست پسر یا دوست دختر دارد. ولی نمی‌داند که یک دختر و یا پسر تا زمانی که با فردی خاص رابطه دارد، دیگر هیچ رابطه‌ای با فرد دیگر برقرار نمی‌کند و این نشان‌دهنده بحث آغازین ماست. ما همه معیارهایمان به هم ریخته، نه سنتی هستیم و نه مدرن، این آشفتگی آشکار نگران‌کننده است که باید به جای گفتن، فریاد زد. ■ بدین ترتیب شما معتقدید نخستین پدیده روسپی‌گری، یک پدیده اجتماعی

است و نه سیاسی. دوم این که باید آن پدیده را در فاز اجتماعی نگه داشت. سوم این که این پدیده، پدیده خاصی است و با نظریات کلاسیک نمی‌توان آن را تبیین کرد. چهارم این که به قول شما زن می‌خواهد از زن بودن خودش انتقام بگیرد. این مشکل از درون خانواده شکل گرفته و راه حل آن یک عزم ملی و در کنار آن یک روش علمی است تا حل این بحران امکان‌پذیر باشد.

□ البته من هم تا نظر شما موافق هستم و تأکید می‌کنم که مردم باید از طریق عزم ملی به مهار این بحران بیندیشند.

فرم اشتراک مجله چشم انداز ایران

پژوهش‌های خانوادگی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

نام

درخواست اشتراک از شماره

نشانی

کد پستی

تلفن تماس

مبلغ اشتراک یکساله ۴۸۰۰۰ ریال می‌باشد.

لطفا هزینه اشتراک را به حساب جاری ۴۴۸۶۰ بانک ملت شعبه میدان توحید کد ۶۷۵۶/۱ به نام لطف‌الله میثمی و یا به حساب جاری

۱۰۱۲۹۵ بانک ملی ایران شعبه دانشگاه کد ۸۷ به نام لطف‌الله میثمی واریز کرده و اصل فیش را به همراه درخواست اشتراک به

نشانی تهران - صندوق پستی ۸۹۵-۱۳۴۲۵ ارسال کنید.

تلفن تماس نشریه ۶۹۳۶۵۷۵ (۰۲۱)

مجله چشم انداز ایران